

اتخاذ سیاست «برون‌نگر» می‌تواند بخشی از مشکلات اقتصادی کشور را برطرف نماید

نشاره:

اقتصاد ایران در حال حاضر در یک دوره حساس برای تعیین راهبردهای آتی قرار دارد. از یک سو حالت قیمت‌های نفت در دو سال گذشته و نازل درآمدهای ارزی کشور، رکود فعالیت‌ها در اقتصاد تورم‌زده ایران را موجب شد و از سوی دیگر کاهش سرمایه‌گذاری و گسترش بیکاری در جامعه جوان ایران، مشکلات و ننگ‌های اقتصادی - اجتماعی را تشدید نمود.

در آستانه تدوین سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ایران در یک مرحله حساس تصمیم‌گیری برای اتخاذ راهبرد مؤثر اقتصادی جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار و کسب سهم منطقی در اقتصاد جهانی قرار دارد. چنانچه وفای ملی در طرح‌های و تدوین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تحصیل گردد و کلیه نیروهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پایبندی و تعهد نسبت به این امر پیدا کنند، می‌توان به تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی بیش از پیش امیدوار شد.

در دو برنامه توسعه اقتصادی که از سال ۱۳۶۸ تاکنون در ایران در حال اجراست، نگاه به اقتصاد، تأمین خودکفایی و صادرات مازاد تولیدات کشور بوده است. اما تجربه تلخ کاهش درآمدهای نفتی، این واقعیت را در اقتصاد ایران بارز ساخت که جهش صادرات از طریق اتخاذ سیاست استراتژیک تجاری، می‌تواند راه نجات اقتصاد ملی باشد.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازارگانی» برای روشن‌سازی موضوع سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا مزایا و پیامدهای آن، با دکتر همی‌درفس پرادان سرگاز، رییس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، گفت‌وگویی دارد که با هم می‌خوانیم.

■ برای دستیابی به سیاست سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا چه روشی باید اتخاذ شود؟

□ اساساً دو نگرش در اقتصاد وجود دارد که عبارتند از نگرش «درون‌نگر» و «برون‌نگر». کشورهای مختلف با توجه به شرایط، امکانات و وضعیت خاص خود و حتی در زمان‌های مختلف یکی از این دو

نگرش اقتصادی را اتخاذ می‌کنند. با توجه به شرایط خاص که در ایران وجود دارد، به نظر می‌رسد اتخاذ نگرش «برون‌نگر» می‌تواند بخشی از مشکلات اقتصادی کشور را حل نماید. برای مثال در گذشته اقتصاد ایران به شدت به درآمدهای نفتی متکی بوده است. اما با توجه به شرایطی که امروزه در جهان وجود دارد، نمی‌توان به

درآمدهای نفتی در سطح وسیع متکی بود، لذا باید به دنبال درآمدهای جایگزین آن بود.

طبیعی است این درآمدها باید از محل صادرات غیرنفتی تحقق یابد، یعنی کالاهایی که صادر می‌شود، درآمدهای ارزی به دنبال دارد که می‌توان با استفاده از آن کالاهای سرمایه‌ای با فن‌آوری‌های جدید را

به‌دست آورد، کالاهای واسطه‌ای وارد کرد و خلاصه شرایطی را برای تولیدات جدید با کیفیت و فن‌آوری بالا و قیمت‌های رقابتی در کشور فراهم کرد.

اگر چنین عملی صورت گیرد، امکان صادرات این کالاها با خصوصیات ویژه به لحاظ اینکه

دارای قیمت‌های قابل رقابت و منطقی و کیفیت بالا است، وجود دارد و می‌تواند زمینه صادرات بیشتر را فراهم آورد و به سمتی که هدف مسئولان برای سال ۱۴۰۰ می‌باشد، حرکت کرد. ایران در صدد است در سال ۱۴۰۰ معادل یک درصد از سهم صادرات جهانی به ارزش حدود ۲۰۰ میلیارد دلار را به‌دست آورد.

برای دستیابی به این امر باید نگرش اقتصادی نگرش «برون‌نگر» باشد.

■ نگرش «برون‌نگر» دارای چه ویژگی‌هایی در جهت حرکت‌های صادراتی است؟

□ چنانچه برای اقتصاد کشور چنین روشی اتخاذ شود، باید نظام‌های تولید، پولی، ارزی، خدماتی، تربیت نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری خارجی و... حول این محور قرار گیرد.

برای مثال اگر در جامعه تربیت نیروی انسانی صورت می‌گیرد، باید به گونه‌ای باشد که وارد کارخانه‌ای شود که کارخانه هدفش تولید برای صادرات است. در ضمن باید بقیه سیاست‌های اقتصادی که در کشور مطرح است، نیز مانند نظام‌های ارزی و... باید به نحوی تدوین شود که حاصل آن کالای

صادراتی باشد.

در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی نیز باید سرمایه‌هایی جذب شود که در کنار آن فن‌آوری‌های جدید وارد شود و با استفاده از این فن‌آوری‌ها، کالاهای

○ به دلیل نیاز به ارز و فن‌آوری فارچی و ضرورت مضمون در بازارهای بین‌المللی، باید سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا در ایران محقق شود. زمینه‌ها تا مدودی وجود دارد، ولی کار زیادی نیز باید صورت گیرد.

مرغوب‌تر تولید شود و از توان و بازاری که شرکت خارجی در جهان دارد، بهره‌برداری شود.

قوانین پولی، کار، ارزی و بانکی نیز باید در جهت تشویق سرمایه‌گذاری و تولید کالاهای صادراتی باشد.

به‌طور کلی با پذیرفتن سیاست «برون‌نگر» تمامی امور اقتصادی و اجتماعی کشور باید در راستای صادرات قرار گیرند که حاصل آن تولید کالای با کیفیت بالا، قیمت رقابت‌پذیر و حضور در بازارهای جهانی است.

در زمینه دستیابی به روش «برون‌نگر» باید تمامی قوای کشور چون مجریه، قضاییه و مقننه دست به دست یکدیگر بدهند و بسیج شوند تا کشور به این هدف نایل آید.

■ سرمایه‌گذاری‌هایی که به صادرات کالا می‌انجامد، چه ویژگی‌هایی برای جامعه دربردارد؟

□ چنانچه تولید کالا با نگرش «برون‌نگر» و با دید صادراتی صورت گیرد، ضمن تأمین کالا برای کشورهای مختلف مصرف‌کنندگان داخلی از کالاهای با کیفیت بالا و قیمت مناسب بهره‌مند می‌شوند و چون این دو امر یعنی «قیمت مناسب» و «کیفیت بالا»

در جامعه محقق می‌شود، دیگر نیازی به ورود کالاهای خارجی نخواهد بود. در ضمن سرمایه‌های سرگردان نیز جهت‌دار شده و در بخش تولید به کار گرفته می‌شود.

پیامدهای اقتصادی - اجتماعی این امر، ریشه‌کن شدن بیکاری در جامعه است. اصولاً اتخاذ نگرش

«برون‌نگر» در اقتصاد ایران طی سال‌های آینده یک الزام است.

■ برای سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا

چه تعریفی می‌توان داشت؟

□ هر سرمایه‌گذار قبل از سرمایه‌گذاری دارای یک تحلیل هزینه / فایده است. طبیعی است که در این سرمایه‌گذاری، فایده‌ها باید بیشتر از هزینه‌ها باشد. وقتی به سرمایه‌گذاری جهت داده می‌شود و گفته می‌شود سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا، یعنی برای سرمایه‌گذاران هدف و نشانه‌ای تعیین شده است.

سرمایه‌گذاران با این هدف باید کالایی را تولید کنند که صادر شود. در نتیجه مشتری آنان خارجی است و باید با شرکت‌های مشابه خودشان در صحنه بین‌المللی به رقابت برخیزند. از آنجا که حمایت‌های موجود در صحنه داخلی، در سطح بین‌المللی وجود ندارد، در نتیجه سرمایه‌گذار باید با دید یک بازار وسیع‌تر، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی کند.

این‌گونه سرمایه‌گذاران در محاسبه هزینه / فایده باید به عوامل بیرونی توجه کنند و لذا با مخاطره (ریسک) بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری‌هایی که تولیدات آن برای مصرف در بازار

داخلی است، رویه‌رو می‌باشند.
■ برای تشویق سرمایه‌گذاری که به صادرات می‌انديشند، چه باید کرد؟
 □ برای تشویق سرمایه‌گذاران به پذیرفتن چنین مخاطره‌ای (ریسکی)، باید دولت اقدامات حمایتی ویژه‌ای را برای این بخش انجام دهد.

اولین موضوعی که در مقابل دید چنین سرمایه‌گذاری وجود دارد، این است که وارد بازاری بزرگ می‌شوند که دارای رقبای قدر و با

تجربه است و کالاهای آنها با کیفیت بالا و قیمت‌های مناسب عرضه می‌شوند. این رقبا از مشتریان شناخت دارند و از تمامی عوامل موجود برخوردارند. دولت‌ها در این هنگام دارای نقش عمده‌ای هستند.

دولت باید بسه این‌گونه سرمایه‌گذاران یارانه بدهد و زمین ارزان و خدمات لازم را در اختیارشان بگذارد. ارز با نرخ ترجیحی به آنان داده شود، ماشین‌آلات جدید و با فن‌آوری بالا را وارد کنند و خلاصه با چتر حمایتی که دولت برای سرمایه‌گذاری که تولید آنها به صادرات می‌انجامد، ایجاد کند. در این شرایط سرمایه‌گذار تشویق می‌شود تا وارد سرمایه‌گذاری با مخاطره بیشتر بشود.

قوانین و مقررات باید تسهیل شوند و این‌گونه سرمایه‌گذاران از معافیت‌ها و بخشودگی‌های مختلف برخوردار گردند تا به تولید کالاهای صادراتی تشویق شوند.
 ابزارهای تشویقی برای تولیدات

صادراتی به‌طور عمده در دست دولت می‌باشد. برای فراهم کردن ابزارهای تشویقی، دولت، مجلس و قوه قضاییه باید دست به دست یکدیگر بدهند تا زمینه‌ها و بسترسازی‌های لازم برای تولید کالاهای صادراتی فراهم آید.
■ آیا اقتصاد ایران در حد مبرم

○ **انجام قراردادهای بیع متقابل، سرمایه‌گذاری مشترک در قالب قوانین و مقررات در تسهیل صادرات کالاهای صنعتی مؤثر خواهد بود. با وجود نیروی انسانی آماده به کار و فراوان در ایران، سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا در بخش صنعت نه‌تنها تولید و صادرات، بلکه به ایجاد شغل برای جوانان کمک می‌کند.**

نیازمند سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا می‌باشد؟
 □ بله، به دلیل نیازی که به ارز و فن‌آوری خارجی وجود دارد و نیز نیاز به حضور در بازارهای خارجی، باید سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا در ایران محقق شود.

در این زمینه کشور نیازمند آن است که از بازارهای بین‌المللی فن‌آوری‌های جدید را وارد کند. ارز موردنیاز برای ورود این فن‌آوری‌ها باید از راه صادرات تأمین شود.

■ آیا زمینه‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود؟

□ به نظر من زمینه‌ها تا حدودی وجود دارند، ولی کارهای بسیاری نیز باید صورت گیرد.

با دیدگاه سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا، قوانین و مقررات باید به جهتی سوق داده شوند که برای سرمایه‌گذاران ایجاد انگیزه کند. به یقین در سیاست‌های اقتصادی، مالی، پولی و تجاری، باید تجدیدنظر

کرد و این مقررات با هدف جذب سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا، هماهنگ شوند.

اعتبارات بانکی باید به این‌نوع سرمایه‌گذاری‌ها اختصاص یابد و سیاست‌های مالیاتی باید طوری تدوین شود که بخشودگی‌ها به این نوع سرمایه‌گذاری‌ها

تعلق گیرد. اگر مجموعه کشور به یک عزم ملی برسد که نیاز به سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا وجود دارد، باید تلاش کرد تا به

این هدف نایل شویم.

این تلاش در طول زمان صورت گیرد، ولی تا زمانی که هدف درست انتخاب شود، تأخیر زمانی موجه خواهد بود. اصولاً حرکت‌ها باید به سمت سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا باشد و تأخیر در این زمینه جایز نیست.

■ کشورهای خارجی که این الگورا پذیرفته‌اند، نتیجه عملکردشان چه بوده است؟

□ شرق آسیا دارای تجربه مفیدی در این زمینه است. زمانی که کشورهای شرق آسیا به سوی سیاست‌های برون‌نگر گام برداشتند، تمامی حرکات، برنامه‌ریزی‌ها و اهدافشان در این جهت متمرکز شد و نتایج مثبتی نیز گرفتند. سنگاپور میلیاردها دلار از راه صادرات و تجارت کسب کرد. کره جنوبی، هنگ‌کنگ و تایوان جزو کشورهای هستند که با اتخاذ سیاست برون‌نگر به وضعیت مطلوب کنونی رسیده‌اند. این تجربه در جهان وجود دارد که کشورهای مختلف با اتخاذ

آمد؟

سیاست برون‌نگر و با ایجاد بسترهای لازم در طول زمان به نتایج مطلوبی رسیده‌اند.

بحران اخیر جنوب شرقی آسیا، بهترین تجربه برای ایران است و آن اینکه باید توجه داشت نقش‌هایی که به دولت داده می‌شود، با قابلیت‌های آن سازگار باشد.

امروزه در دنیا مطالعات جدید نشان می‌دهد که دولت‌ها باید سعی کنند اهداف و نقش‌هایی برای خود انتخاب کنند که با

قابلیت‌هایشان سازگار باشد. اگر قابلیت‌های کنونی اکتفا نمی‌کند، باید قابلیت‌های لازم را ایجاد کرد.

به نظر من یکی از اشتباهات کشورهای جنوب شرقی آسیا این بود که اهداف و نقش این کشورها با قابلیت‌هایشان سازگاری نداشت. برای مثال حجم سرمایه‌گذاری‌های جذب شده در این کشورها، بیش از توان جذب آنان بود.

ایران باید از این اشتباهات درس بگیرد و در برنامه‌ریزی دچار این‌گونه اشتباهات نشود. باید از الگوهای خارجی با توجه به شرایط داخلی کشور استفاده شود.

می‌توان الگوهای خارجی را با توجه به شرایط داخلی و بومی از آنها استفاده کرد و تا اندازه‌ای عقب‌افتادگی‌ها را جبران نمود. البته این امر مستلزم انجام تحقیقات وسیع در این کشورهاست.

■ در چه رشته‌هایی از اقتصاد کشور می‌توان سرمایه‌گذاری کرد تا به هدف سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا نایل

۱۱ تجربه دنیا نشان می‌دهد اکثر سرمایه‌گذاری‌ها در بخش صنعت و خدمات صورت می‌گیرد. سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی امکان کسب درآمدهای سریع را دربرندارد. البته باید توجه داشت در بخش کشاورزی قسمتی از تولیدات

○ مناطق آزاد کشور به سمت ایجاد مناطق ویژه تفصیصی حرکت می‌کند و این امر می‌تواند اشتباهات گذشته را برطرف کند. اگر شرایط لازم در این مناطق به‌وجود آید، در به‌کارگیری سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا مؤثر خواهد بود.

مصرف داخلی دارد و اگر در این بخش سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا انجام گیرد، برای اقتصاد کشور سودمند خواهد بود. چرا که از امکانات موجود بهره‌برداری بیشتر می‌شود. اما نباید به درآمدهای صادراتی در بخش کشاورزی اتکا کرد، چون ارقام عمده‌ای نخواهند بود. سایر کشورها نیز در بخش صنعت و خدمات فعالیت بیشتری انجام داده‌اند.

در ایران در بخش خدمات فنی و مهندسی، تجربه مفیدی کسب شده است که این راه باید ادامه یابد و تنگناهای این بخش مرتفع شود. در بخش صادرات صنعتی با وضعیت مشکل‌تری مواجه خواهیم بود، چرا که با رقبای بسیار مجربی روبه‌رو هستیم. ولی تجربه نشان می‌دهد در این زمینه می‌توان فعال بود.

انجام قراردادهای «بیع متقابل» (بای‌بک) تجربه مفیدی دربرداشته است. سرمایه‌گذاری مشترک تا حدودی که قوانین و مقررات اجازه می‌دهد و به نفع کشور است، می‌تواند

در تسهیل صدور کالاهای صنعتی مؤثر باشد. اگر هدف انجام این فعالیت‌ها خودکفایی باشد تا حدودی کارها مشکل‌تر می‌شود.

در ایران سرمایه‌های انسانی به حدی است که بتوان از فن‌آوری‌های خارجی استفاده کرد. نیروی انسانی آماده به کار در ایران فراوان است.

ایران با یک هرم نسبی جوان الزامات خاص خود را دارد. آماده به کار بودن ۱۰ تا ۱۵ میلیون جوان در هفت تا هشت

سال آینده، ایجاب می‌کند هر نوع برنامه‌ریزی تحت‌الشعاع قرار گیرد. تجربه نشان می‌دهد برای جذب این نیروی کار باید به بخش صنعت و تولید اهمیت داد، زیرا در این زمینه بحث فقط تولید و صادرات نیست، بلکه ایجاد شغل برای جوانان نیز مهم است. این امر جزو وظایف عمده دولت است. این موضوع، الزامی را برای صدور کالاهای صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا فراهم می‌کند. اگر سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا در کشور صورت گیرد و با تغییراتی نه‌چندان بزرگ در کارخانه‌های موجود، کالاها را تبدیل به کالاهای صادراتی کنیم، لااقل می‌توان ظرفیت خالی کارخانه‌ها را با تقاضای بخش صادرات پر کرد و به ظرفیت کامل رساند.

امروزه بخش تجارت، دریچه (سوپاپ) اطمینانی برای یک اقتصاد سالم در کشورها است. در ایران نیز باید به این سمت حرکت کرد تا تجارت به‌عنوان یک دریچه اطمینان

برای حل مشکلات اقتصادی در بعد صادرات و واردات دیده شود.

هدف تحقق سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا برسد، باید به عضویت

توسعه دهد و چون خودکفا بوده‌اند، امروزه به این صورت درآمد‌اند. اما

■ در چه بخش‌هایی از صنعت می‌توان سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا انجام داد؟
 تا معمولاً کشورها در زمینه‌هایی که

○ هدف مسئولان برای سال ۱۴۰۰، دستیابی به یک درصد سهم صادرات جهانی به ارزش حدود ۲۰۰ میلیارد دلار است. برای دستیابی به این هدف، باید اقتصاد برون‌نگر باشد و نظام‌های تولید، پولی، ارزی، فدرماتی و حتی تربیت نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری، مول این محور تعیین شود.

باید به مردم گفت که هدف تشکیل منطقه آزاد با آنچه که تاکنون در این مناطق عمل شده، متفاوت است. خوشبختانه امروز مناطق آزاد کشور به سمت

مزیت نسبی دارند، یا می‌توانند خلق مزیت کنند، سرمایه‌گذاری می‌نمایند. این موضوع راهنمای خوبی برای آغاز کار در کشورمان است. مطالعات نشان می‌دهد صنایع کانی غیرفلزی و پتروشیمی از مزیت نسبی خوبی برخوردارند. البته در دیگر زمینه‌ها نیز باید به دنبال خلق مزیت‌ها رفت. به‌طور خلاصه باید سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌هایی صورت گیرد که فعلاً در آنها مزیت نسبی وجود دارد و به دنبال آن باید به‌سوی خلق مزیت‌های نسبی گام برداشت.

این سازمان درآید. ضمناً به دلیل اینکه بخش عمده تجارت بین کشورهایی که در پیمان‌های تجاری، منطقه‌ای و اقتصادی قرار دارند، صورت می‌گیرد، به یقین باید به سوی قرار گرفتن در این پیمان‌ها حرکت کرد.

ایجاد مناطق ویژه تخصصی در حرکت است. صحبت از این است که در آینده نزدیک، منطقه ویژه اقتصادی فولاد، منطقه ویژه اقتصادی صنایع الکترونیکی و نرم‌افزار، منطقه ویژه سنگ، منطقه ویژه صنایع دستی، منطقه ویژه پتروشیمی و... ایجاد شود. این امور حرکت‌هایی است که می‌تواند اشتباهات قبلی را تصحیح کند.

ایران می‌تواند در سازمان‌های منطقه‌ای و یا فرامنطقه‌ای عضویت یابد. در همین حال عضویت ایران در این سازمان‌ها و استفاده از تجربیات دیگران در مبادلات متقابل، یک الزام است که باید به آن توجه جدی داشت.

شنیده شده که شرکت کوبه ژاپن قرار است در منطقه ویژه اقتصادی فولاد بندرعباس سرمایه‌گذاری در قالب بیع متقابل (بای‌بک) انجام دهد و کالاهای تولیدی را ابتدا خود خریداری و مصرف نماید.

■ مناطق آزاد ایران تا چه حد می‌تواند اقتصاد کشور را به سوی تحقق سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا سوق دهد؟

■ همکاری‌های منطقه‌ای و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی تا چه حد می‌تواند کشور را به‌سوی جلب سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا سوق دهد؟

□ یکی از دلایل ایجاد مناطق آزاد در ایران این بود که این مناطق جایگاهی باشند که بتوان آثار سیاست‌ها، مقررات و برنامه‌های اجرایی را در آن مشاهده کرد. این هدفی منطقی و مطلوب بود و در آینده نیز به مناطق آزاد باید با این دید نگاه کرد. اما نگاه قانون‌گذار در ایجاد مناطق آزاد ابتدا توسعه این مناطق بوده است.

□ یکی از الزاماتی که سیاست برون‌نگر را محقق می‌سازد، موضوع ارتباطات بین‌المللی است. به نظر من اگر ایران بخواهد به کشوری که صادرات در آن نقش اساسی داشته باشد، تبدیل شود، باید نگاهمان به سازمان جهانی تجارت باشد.

اگر شرایط لازم در مناطق آزاد فراهم آید، این مناطق در آینده می‌توانند در جهت جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و به‌کارگیری سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا، نقش عمده‌ای داشته باشند.

■ آیا می‌توان دید سنتی سرمایه‌گذاران ایرانی را به نگرش در زمینه سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا تبدیل کرد؟

□ به نظر من این امر مستلزم یک سری آموزش‌ها و آرایه اطلاعات است. استفاده از تجربیات کشورهای آسیای

هدف دولت این بوده است که بتواند در قالب یک سری برنامه که توأم با ایجاد درآمد باشد، این مناطق را

۱- هزینه جمع‌آوری اطلاعات را کاهش داد.
۲- در زمان کوتاهی اطلاعات را

بین عموم توزیع کرد.

۳-

سیاست‌ها و برنامه‌های مشترک به وجود آورد.

۴- شناخت

خود را از بازارهای بین‌المللی افزایش داد.

۵- بازارهای خارجی را توسعه داد و به مزایای دیگر نیز دست یافت.

به نظر من چگونگی تشکیل مشکل‌ها اهمیت زیادی دارد. ولی صرف وجود این مشکل‌ها نمی‌تواند آثار مثبتی را برای کشور داشته باشد. دولت باید از این مشکل‌ها حمایت قانونی کند، ضمن آنکه در این مشکل‌ها باید منافع ملی در نظر گرفته شود، نه منافع شخصی.

توصیه شما برای دستیابی به سیاست سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا چیست؟

□ به نظر من باید هر چه سریع‌تر در اتخاذ استراتژی جهش صادراتی به یک نقطه نظر مشترک رسید. اگر ضرورت آن از سوی تمامی گروه‌ها پذیرفته شد، زمینه‌های همکاری بعدی فراهم آید. سپس باید این موضوع به اصطلاح جا بیفتد که دستیابی به چنین سیاستی نتیجه تلاش همگانی مردم خواهد بود.

مؤید آن است که امروزه سیاست‌های بازارگرا و دولت‌گرا، هیچ‌کدام به تنهایی کارکرد خوبی ندارند و باید بین

○ نمی‌توان بیش از این به درآمدهای حاصل از صادرات نفت متکی بود و باید به دنبال درآمدهای جایگزین آن رفت تا با استفاده از آنها، فن‌آوری‌های موردنیاز وارد شود تا کالاهایی با کیفیت بالا و فن‌آوری نوین و قیمت قابل رقابت در بازارهای جهانی تولید شود.

این دو ارتباط تنگاتنگی وجود داشته باشد. اگر کشور بخواهد به سمت سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا برود، باید ایس‌ن دو را در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مشارکت دهد و در قالب برنامه‌های آموزشی به آنان آگاهی داد.

کارهای تحقیقاتی، همایش‌ها و رسانه‌ها نیز باید کمک کنند و این موضوع را به صورت یک عزم ملی درآورند.

تجار باید آموزش ببینند که نباید به دنبال سودهای کوتاه‌مدت باشند و دید آنان باید یک نگرش بلندمدت باشد. باید سعی کنند بازارها را به دست آورند و آنها را حفظ کنند. دولت باید در تحقق این امر یک کمک‌کننده باشد و بازرگان باید به سیاست‌های دولتی اعتماد کند.

عده‌ای معتقدند برای رسیدن به سیاست سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا، بهتر است شکل‌های صادراتی به وجود آید. نظر شما چیست؟

□ باید ابتدا دید این امر چگونه باید محقق شود. یک تاجر می‌تواند بخشی از یک شرکت تولیدی باشد و منعی وجود ندارد. نباید صادرکننده هیچ‌گونه ارتباطی با تولیدکننده نداشته باشد. مهم آن است که در قالب شکل‌های صادراتی می‌توان:

جنوب شرقی، تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی را به سمت سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا سوق می‌دهد.

تحقیقات نشان داده است کشورهای کره، ژاپن، هنگ‌کنگ، سنگاپور و تایوان در قالب شوراهایی متشکل از دولت، بازرگانان و

دانشگاهیان، چنین سیاست‌هایی را تدوین کرده‌اند. اگر دولت به عنوان سیاست‌گذار، بازرگان به عنوان کسی که حاصل کار به وی برگشت می‌کند و دانشگاه به عنوان بخش فکری، اندیشه‌ای و نظری موضوع با یکدیگر به همکاری بپردازند، حداقل حسن آن این است که:

۱- این سه گروه با آخرین تجربیات آشنا می‌شوند و از آنها استفاده می‌کنند.

۲- دولت در جریان مسایل و امور بازرگانان و مطالب نظری قرار می‌گیرد.

۳- بازرگان چون خودش در سیاست‌گذاری‌ها نقش دارد، از کلیه امور آگاه شده و به پیشبرد سیاست کمک می‌کند.

به نظر من باید کسانی که برایشان تصمیم‌گیری می‌شود، در تصمیم‌سازی‌ها مشارکت داد تا زمینه‌های مشارکت آن گروه فراهم آید. از سوی دیگر باید آنان را از مزایا و معایب این‌گونه سیاست‌ها آگاه کرد که این امر تلفیق بخش بازار و دولت خواهد بود.

مطالعات و تجربه بانک جهانی در یک تحقیق وسیع در سال ۱۹۹۷ نشان داده است که امروزه بازار و دولت باید مکمل یکدیگر باشند. این تحقیقات